لوازم‌التحریر زیر تیغ گرانی و ثروت

آغاز سال تحصیلی با سرفصل گرانی لوازم‌التحریر

سپهرغرب، گروه اقتصادی – عباس سریشی: این روزها با توجه به نوسانات دم به دقیقه بازار و وجود قیمت‌های عجیب و غریب بیشتر خانواده‌ها لوازم‌التحریر و وسایل

آموزشی را با ملاحظات اقتصادی خرید می‌کنند تا علایق هنری و ذوقی و خواسته‌های فرزندان خود.

هرچند لوازم‌التحریر تنها یکی از عوامل مؤثر در موفقیت درسی دانش‌آموزان تلقی می‌شود اما با این حال استفاده از ملزومات تحصیلی زیبا، استاندارد و باکیفیت می‌تواند به‌عنوان محرکی برای تشویق دانش‌آموزان به تحصیل و آموختن نقش‌آفرینی باشد.

در این خصوص برخی کارشناسان با عنوان اینکه دانش‌آموزان با استفاده از لوازم‌التحریر مناسب، بهتر و با انگیزه‌تر می‌توانند درس بخوانند چراکه مانند استفاده از ابزار خوب برای نجار و خیاط است؛ بنابراین استفاده از ابزار خوب در کیفیت خروجی و کارشان مؤثر و دخیل خواهد بود گو آنکه اسباب تحصیل نامناسب و غیر استاندارد نیز به همان اندازه می‌تواند برای جسم و روح دانش‌آموزان به‌خصوص در سنین آغاز مدسه مضر بوده و باعث کاهش علاقه به درس و مدرسه در آن‌ها شود.

در این خصوص کارشناسان بر این باورند که در سال‌های ابتدایی تحصیل طراحی‌های خلاقانه و جذاب برای لوازم‌التحریر با ویژگی‌های بصری کودک‌محور مهم‌ترین مؤلفه در جذب، تشویق و گرایش و سوق دادن نوآموزان به خواندن، نوشتن، طراحی و پیشبرد خلاقیت است.

با این حال اما در سال‌های اخیر به‌دلیل شرایط تورمی و تأثیری که بر بازار لوازم‌التحریر کشورمان گذاشته، باعث شده تا خرید این لوازم برای خانواده‌ها و دانش‌آموزان سخت‌تر شود؛ برخی والدین نیز بیشتر از آنکه هوش و حواسشان را به علایق بچه‌ها داده و به‌دنبال پاسخگویی به خواسته‌های آن‌ها در این حوزه باشند با نگاه به جیب و میزان موجودی پول خود عموماً به‌دنبال خریدی ارزانتر و اقتصادی‌تر هستند.

زیرا به اعتقاد آن‌ها چون لوازم‌التحریر جزو پرهزینه‌ترین بخش تحصیل دانش‌آموزان بوده و مجبورند از ابتدای هر سال تحصیلی تا پایان آن بارها به فروشگاه‌های لوازم‌التحریر مراجعه کرده و اقدام به خرید کنند؛ بیشترین توجه به کمیت مبلغ و تعداد لوازم خریداری‌شده است تا کیفیت و زیبایی آن‌ها.

به زبان ساده‌تر در سال‌های اخیر به‌جز خانواده‌هایی که از شرایط مالی بهتری برخوردار بوده و معمولاً هنگام خرید از لوازم‌التحریرهای فانتزی و گران‌قیمت استقبال و استفاده می‌کنند اما نوع خرید در خانواده‌های طبقه متوسط و پایین بستگی به وضعیت مالی و هزینه تعریف‌شده آنان برای ورود به سال تحصیلی دارد و با توجه به نوسانات دم به‌دقیقه بازار و وجود قیمت‌های گوناگون این طیف خانواده‌ها بیشتر با ملاحظات اقتصادی خرید می‌کنند تا علایق هنری و ذوقی و دلخواه کودکانه.

البته نباید فراموش کرد که نیازمندی‌های یک سال تحصیلی منحصر به لوازم‌التحریر نیست بلکه باید چیزهای دیگری از قبیل، کفش، روپوش و مانتو، کیف، هزینه رفت و آمد، پول توجیبی، هزینه‌های تکلیفی از سوی مدرسه، وسایل ورزشی، ملزومات کاردستی و برنامه‌های خلاقانه... را نیز به این فهرست اضافه کرد که درمجموع تاچند میلیون تومان هم می‌رسد مشروط به اینکه خانوادها مجبور نشوند تا پایان سال و به هر دلیل از قبیل گم شدن، پارگی و خرابی و... برخی از این ملزومات را که عموماً ناشی از بی‌دقتی دانش‌آموزان در کابرد و نگهداری است را دوباره و چندباره بخرند.

این روزها بسیاری از خانوادهای همدانی نیز به‌مانند دیگر شهرهای کشورمان در حالی مشغول تمهید مقدمات شروع سال تحصیلی برای فرزندان خود هستند که به جای شور و نشاط و خنده بیشتر، نگران گرانی و افزایش روزافزون قیمت وسایل مورد نیاز نسبت به سال و ماه و حتی هفته قبل هستند.

اینکه با گردش و مشاهده شرایط حاکم بر بازارهای شناخته‌شده مثل صحاف‌خانه و راسته‌های فروش کیف و به‌صورت خاص بساط دست‌فروشان اینگونه به‌نظر می‌رسد که بیشتر این خانوادها که عموماً نیز از قشر متوسط و رو به پایین جامعه هستند به علت قیمت بالای اجناس فقط به‌دنبال خرید لوازم ضروری و اولیه بوده و عموماً سعی می‌کنند با تشویق بچه‌ها به استفاده از همان کیف و باقیمانده لوازم سال قبل با پرس و جو و خرید از جاهایی که احتمال می‌دهند قیمت‌ها کمی کمتر است هزینه‌های خود را به پایین‌ترین میزان ممکن برسانند.

واقعیت این است که با وجود همه این تمهیدات و تلاش‌ها اما در آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۳ بسیاری از خانوادها در بهترین و خوش‌بینانه‌ترین حالت و با لحاظ نمودن پایین‌ترین قیمت کف بازار با احتساب؛ یک دست مانتو و شلوار و مقنعه برای دختران یا یک دست روپوش برای پسران ۵۰۰ هزار الی یک میلیون تومان، کیف مدرسه‌ای ۳۰۰ هزار تومان به بالا (البته با توجه به اندازه شکل و کیفیت)، دفتر به نسبت تعداد درس و مقطع تحصیلی به‌طور متوسط ۲۰۰ هزار تومان به بالا، کمتر از ۶ عدد مداد یا خودکار از نوع متوسط ۱۰۰ هزار تومان به بالا، مداد رنگی جنس متوسط ۱۰۰ هزار تومان به بالا، پاک‌کن، مدادتراش خط‌کش هرکدام از ۱۰ هزار به بالا و وسایل دیگر مثل قمقمه آب، جامدادی و... باید بین دو تا سه و نیم میلیون تومان برای هر دانش‌آموز هزینه کنند، اگر خانواده‌ای هم دارای چند فرزند باشد ناگزیر این رقم ضرب در تعداد فرزندان خواهد شد.

حالا البته اینکه با شروع کلاس‌ها چه میزان هزینه‌های تکلیفی از سوی مدارس درخصوص وسایل ورزشی، کمک به مدرسه، سرویس و تغذیه و... هم به آن اضافه خواهد شد به جای خود.

*از درددل‌های مادرانه تا دغدغه‌های پدرانه برای یک سال تحصیلی

همانگونه که پیشتر بدان اشاره کردیم این روزها همدان نیز به‌مانند بیشتر شهرهای کشورمان در حال و هوای استقبال از سال تحصیلی جدید قرار دارد و این را می‌شود از شلوغی نسبی صحاف‌خانه به‌عنوان شناخته‌شده‌ترین مرکز تهیه لوازم‌التحریر، بساط دست‌فروش‌ها و بسیاری از والدین و دانش‌آموزانی که در حال پرس و جو، قیمت گرفتن و خرید مایحتاج اولیه شروع یک سال تحصیلی است، مشاهده کرد.

البته در این فضا و در کنار شور و شوق و خنده برخی بچه‌ها اما چهره‌های متفکر، دغدغه‌مند و حتی نگران و گریان هم زیاد است از بچه‌هایی که خوشحال‌اند کیف و دفتر و مداد رنگی مورد علاقه خود را خریده‌اند تا آن دسته بچه‌های ناراحتی که نمی‌دانند چرا والدینشان نمی‌خواهند وسیله مد نظر آن‌ها را بخرند و صدالبته پدران و مادرانی که با یک چشم قیمت‌های وسایل را می‌نگرند و با چشم دیگر حواسشان به پیامک موجودی کارت بانکی یا باقی‌مانده پول کیف‌شان است.

متأسفانه این همه روایت سر کوه یخی است به نام گرانی لوازم التحریر و وسایل مورد نیاز برای آغاز یک سال تحصیلی!

درمجموع گفت‌وگوهای صورت‌گرفته از سوی خبرنگار سپهرغرب با ۶۰ خانم و آقای همدانی که جهت خرید لوازم‌التحریر در صحاف‌خانه، کنار بساط دست‌فروشان و یا راسته‌بازارهای تولیدکنندگان مانتو و روپوش حضور داشتند نیز اینگونه برمی‌آید که:

– در حالی که تقریباً همه این شهروندان خرید اول سال تحصیلی را یک سنت تلقی می‌کردند اما همگی نیز معتقد بودند که با شرایط تورمی جدید و افزایش قیمت‌ها این سنت هم به‌مانند بسیاری آیین‌ها رو به کم‌رنگی و کاهش است.

– در این خصوص برخی فعالان صنفی لوازم‌التحریر و کیف هم در گفت‌وگو با خبرنگاران با اشاره به اینکه شاهد رکود و کاهش خرید نسبت به سال‌های قبل هستند عنوان کردند؛ در این روند آن‌ها نیز متضرر شده‌اند زیرا فقط یک سهم مشخص از سود فروش را می‌برند که فی‌نفسه تأثیری در افزایش قیمت‌ها ندارد.

– ۵۵ شهروند ضمن ابراز تأسف از وضع موجود از افزایش چندبرابری قیمت‌ها نسبت به سال قبل گله‌مند بوده و معتقدند با این رویه باید مبالغ به‌مراتب بیشتری از درآمد خود را به هزینه‌های تحصیل فرزندان خود اختصاص دهند.

– همین گروه با اشاره به اینکه فعلاً فقط به‌دنبال خرید دفتر و مداد و خودکار و نهایتاً روپوش و مانتو به‌عنوان نیازهای اصلی هستند عنوان کردند؛ به هر دلیل امسال هیچ الزامی برای خرید کیف و کفش جدید وجود ندارند چراکه بچه‌ها می‌توانند (یا شاید هم باید) از همان کیف سال قبل و یا کفش فعلی استفاده کنند.

– از دید ۴۸ نفر کیفیت لوازم‌التحریر موجود و شکل و ظاهر آن‌ها نسبتاً خوب و مطلوب است اما مسئله اصلی گرانی و قیمت رو به افزایش آن‌هاست که باعث محدودیت در خرید شده است.

– جمعی بالغ بر ۴۳ نفر حاضر در گفت‌وگو با اشاره به گرانی مانتو و روپوش نسبت به سال قبل معتقدند درخصوص افزایش کیفیت پارچه، دوخت، طراحی و تنوع رنگ و یا مدل لباس‌ها هنوز اتفاق خاصی نیفتاده در حالی که انتظار می‌رود در این باره یک کارگروه هنری هم وجود داشته باشد.

قابل ذکر است که در گفت‌وگو با برخی تولیدکنندگان مانتو و روپوش نیز اشاره شد که نمایندگان صنفی این گروه در عقد قرارداد با آموزش پرورش هیچ‌گونه نظرخواهی از آن‌ها نکرده‌اند بنابراین از منظر این فعالان اقتصادی تولید مانتو و روپوش عملاً سود چندانی برای آن‌ها ندارد.

– از دید ۳۹ شهروند همدانی با توجه به شرایط اقتصادی اگر لوازم التحریر مورد نیاز بچه‌ها نیز توسط خود دولت و در قالب سهمیه دانش‌آموزی و با قیمت مصوب در مدارس و در طول سال عرضه شود می‌تواند باعث کاهش قیمت و مشکلات مالی خانوادها شود.

– درمجموع ۳۰ گفت‌وگو شونده اینگونه اظهار کردند که با توجه به مبحث گم شدن خرابی و یا بی‌دقتی در استفاده و نگهداری از لوازم‌التحریر توسط دانش‌آموزان تا پایان سال چند مرحله دیگر مجبور به خرید خواهند بود که همین امر هزینه بیشتری را به خانوادها تحمیل می‌کند.

■ **نظارت؛ خانی که نه آمد و نه رفت**

شاید در چنین اوضاع و احوالی وجود یک ساختار نظارتی ساختارمند بتواند با پایش و رصد دائمی بازار ضمن نظم‌دهی و ایجاد تعادل، موجبات جلوگیری از گران‌فروشی و اجحاف به مشتری را فراهم ساخته و باعث شود تا بازار به ثباتی نسبی در قیمت‌ها برسد اما تجربه نشان داده که این فرایند در شهری مانند همدان بیشتر حالت مصوبه کاغذی دارد تا فرایند عملی که صد البته مصداق غیر قابل انکار این امر را می‌توان در نظارت بر بازار شب عید و ماه رمضان دید که چقدر مؤثر بوده و توانسته موجبات رضایتمندی حداکثری شهروندان را فراهم کند به طوری که اثرات همان اقتدار و صلابت را هم در وضعیت بازار لوازم‌التحریر و در آستانه باز شدن مدارس می‌توان کاملاً دید و حس کرد.

شاید افزایش چندبرابری و تفاوت در قیمت‌ها، اجبار و تحمیل خرید اضافه، شایعه زد و بند در عقد قرارداد با تولیدی‌ها و نمایندگان، فروش لوازم بی‌کیفیت و مواردی از این دست تنها سر کوه یخ مشکلاتی است که طبق قاعده باید با حضور نمایندگان ناظر و بازرسان به‌صورت میدانی مورد بررسی و تحقیق و برخورد قرار می‌گرفت اما

در این خصوص گفت‌وگوهای صورت‌گرفته نشان می‌دهد که به‌جز ابلاغیه‌های مشخص درخصوص قیمت که البته آن‌هم از سوی اتحادیه‌های صنفی صادر شده و هیچ نظارت و رصد خاصی بر بازار آغاز سال تحصیلی نیست و بیشتر فروشندگان با عنوان اینکه قیمت هر وسیله بر اساس کمیت و کیفیت آن ممکن است با نوع مشابه تفاوت داشته باشد، هرگونه که می‌خواهند نرخ‌گذاری کرده و اقدام به فروش می‌کنند،پس طبیعی است که در چنین بازاری چیزی جز اجحاف به خریدار معنا پیدا نکرده و والدین مجبورند بر اساس قانون الزام غیرقابل فرار وسایل مورد نیاز خود را با قیمت‌هایی بخرند که به آنان گفته می‌شود نه آنکه مصوب شده است.

گو آنکه نگاه‌های متعجب، شانه بالا انداختن، سر تکان دادن، لبخندهای تلخ شهروندان و سکوت و عبور از کنار گزارشگران درخصوص پرسش کیفیت و میزان نظارت بر بازار لوازم‌التحریر، بهترین پاسخی که می‌شد دریافت کرد چیزی بود شبیه به داستان همان خانی که نه آمد و نه رفت.

نحوه محاسبه تورم در تعیین دستمزد اشتباه است

سپهرغرب، گروه اقتصادی: نماینده کارگران در شورای عالی کار گفت:میزان تورم هر ساله به هزینه زندگی می‌خورد نه به درآمد سال گذشته، بنابراین باید میزان تورم و هزینه سبد معیشت در دستمزد لحاظ شود.

محمد تاجیک با اشاره به اینکه مطابق ماده ۴۱قانون کار دستمزد باید مطابق تبصره اول و دوم ماده ۴۱تعیین شود گفت: این دو تبصره کامل‌کننده هم هستند.

وی با بیان اینکه علت عقب‌ماندگی مزدی کارگران این است که هر ساله دستمزد سال بعد تعیین می‌شود افزود:در خصوص سبد معیشت اززمان دولت دوازدهم هزینه سبد معیشت محاسبه می‌شود و این می‌تواند کمک کننده در مسیر تعیین مزد باشد. اینکه سال ۱۴۰۳ دولت راضی به تعیین سبد معیشت نشد وهمین مسئله باعث شد در سال ۱۴۰۳ مبنایی برای تعیین مزد نبود، تنها اکتفای نمایندگان کارگران اجرای ماده ۴۱قانون کار بود.

نماینده کارگران در شورای عالی کار اظهار کرد: درفرآیند تعیین مزد ۱۴۰۳ کارشناسان انستیتو تغذیه با کاهش کالری سبد معیشت به‌عنوان کوچک کردن سفره کارگران بودند و همین باعث شد که شرکای اجتماعی هنگام تعیین مزد ۱۴۰۳ توافق نداشتند. مهم‌ترین اقدام برای تعیین مزد منصفانه و واقعی تشکیل کمیته دستمزد و بررسی دقیق هزینه‌های زندگی است.

تاجیک با اشاره به حق رأی تشکل‌های کارگری هنگام تعیین مزد گفت: هنگام تدوین قانون تنها یک تشکل کارگری و آن هم شورای اسلامی کار بوده است. ولی در فصل ششم قانون کار ما سه تشکل قانونی داریم؛ انجمن صنفی کارگران جمهوری اسلامی ایران، مجمع نمایندگان کارگران جمهوری اسلامی ایران و شوراهای عالی کار اسلامی کشور؛ سه تشکل داریم ولی زمانی که قانون‌گذار قانون را می‌نوشت و تدوین می‌کرد؛ یک تشکل فعالیت صنفی داشته است. بعد از انقلاب تشکل‌های دیگر هم به وجود آمدند طبق فصل ششم قانون کار و عملاً با توجه به این که در شورای عالی کار صرفاً نام شوراها آمده، سه نماینده کاری که باید از سه تشکل بیایند، صرفاً از یک تشکل می‌آیند و نماینده‌های دیگر کارگری حق رأی ندارند. یعنی دو تشکل دیگر حضور دارند بدون حق رأی. این موضوع نیازمند اصلاح است.

وی با بیان اینکه نحوه محاسبه تورم اشتباه است گفت: این موضوع را بارها در شورای عالی کار مطرح کرده‌ایم. تورم به هزینه زندگی‌مان می‌خورد، نه درآمد سال گذشته. فرض کنید تورم در سال جاری ۴۰درصد می‌شود؛ حقوق ۹ میلیون تومان است، ما باید چهار میلیون تومان حقوق را افزایش دهیم تا یک نفر بتواند زندگی کند؟ هزینه زندگی در سال ۱۴۰۲، حدود ۱۸ میلیون تومان بوده، اگر قرار است تورم محاسبه شود، باید دقیق و درست محاسبه شود تا گپ حقوق از بین برود. اگر تورم در حقوق به‌درستی محاسبه نشود همواره عقب‌ماندگی مزدی بزرگتر خواهد شد.

وی با بیان اینکه مطابق آمارمیزان اشتغال زمانی که دستمزد ۵۷ درصد افزایش یافت رشد داشته است گفت:این موضوع نشان می‌دهد اینکه کارفرمایان عزیز بیان می‌کنند اگر دستمزد مطابق نرخ تورم یا بیشتر افزایش یابد، ریزش نیروی کار داریم، موضوع درستی نیست. چراکه آمارهای تأمین اجتماعی موضوع دیگری را نشان می‌دهد.

نماینده کارگران در شورای عالی کار با بیان اینکه اگر بخواهیم تولید رونق بگیرد باید قدرت خرید کارگران را افزایش دهیم گفت: کارگری که قدرت خرید داشته باشد می‌تواند محصولات تولیدی را خریداری کند و بدون شک رونق در تولید ایجاد می‌شود، اما اگر قدرت خرید کارگران به اندازه‌ای نباشد که بتواند خرید کند، قطعاً محصولات کارفرمایان هم در انبارها می‌ماند.

تاجیک درباره اجرای مزد منطقه‌ای گفت: برای اجرای مزد منطقه‌ای زیر ساخت نداریم. ما حتی نمی توانیم دستمزد را به میزان تورم در آن استانی که پایین‌ترین نرخ تورم را دارد پرداخت کنیم. با توجه به اینکه دولت‌ها همواره در جلسات شورای عالی کار به دنبال راهکاری بودند تا میزان دستمزد را به کمترین حد افزایش دهند، دیدگاه کارگران این است که دولت همواره به‌دنبال راهکاری است تا دستمزد را به میزان کم افزایش دهد.

وی بیان کرد: دولت متأسفانه به وظیفه حاکمیتی خود به‌درستی عمل نمی‌کند. دولت در شورای عالی کار باید نقش میانجی را داشته باشد نه حاکمیت. باید نقش وسط را داشته باشد و تصمیم‌گیری درست را کند. اما دولت در نقش کارفرما ظاهر می‌شود که مصداق بارز تعارض منافع است.

وی افزود: درخواست ما از دولت چهاردهم این است که در مرحله نخست ساختار شورای عالی کار را اصلاح کند و تمام تشکل‌ها حضور قانونی داشته باشند. درخواست دیگر ما اجرای کامل ماده ۴۱ قانون کار است، یعنی راه را برای شورای عالی کار کامل و به‌صورت واضح مشخص کرده است، نحوه محاسبه دستمزد؛ طبق الزام قانون، یعنی محاسبه دستمزد، مطابق معیشت کارگران.

آیا هدفمندسازی یارانه‌ها خزانه دوم است؟

سپهرغرب، گروه اقتصادی: با توجه به پیگیری‌های انجام شده، حساب‌های سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها نزد حساب واحد خزانه قرار دارد و به این ترتیب کلیه ورودی‌ها و خروجی‌ها توسط خزانه‌داری کل کشور کنترل می‌شود.

در بحث بودجه تبصره هشت که همان تبصره مربوط به یارانه‌ها است، شاهد هستیم که منابع و مصارف آن در سرجمع بودجه محاسبه نمی‌شود. به عبارت دیگر همواره از این تبصره که تا پیش از این به عنوان تبصره ۱۴ معروف بود، به‌عنوان بودجه دوم یاد می‌شود؛ چراکه در حقیقت بودجه‌ای قابل توجه و مجزا در دل بودجه اصلی دولت در نظر گرفته شده است.

با این حال این سؤال وجود داشت که آیا مشابه همین موضوع در بحث حساب‌های این منابع و مصارف نیز صادق است؟ یعنی آیا منابع هدفمندسازی یارانه‌ها وارد حساب خزانه می‌شود و سپس به ذی‌نفعان پرداخت می‌شود و یا اینکه حساب‌هایی خارج از خزانه برای این منظور در نظر گرفته شده و در حقیقت شاهد شکل‌گیری خزانه دومی نیز هستیم.

*آیا هدفمندسازی یارانه‌ها خزانه دوم است؟

طیبه حسینی در خصوص نحوه تأمین و پرداخت منابع مربوط به پرداختی‌های سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها که شامل مواردی ازجمله خرید تضمینی گندم، پرداخت‌های مربوط به دارویار، بهزیستی و کمیته امداد، یارانه‌های نقدی و.. می‌شود، گفت: منابعی که مربوط به پرداختی‌های سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها است به حساب این سازمان نزد خزانه‌داری کل کشور (در چارچوب حساب واحد خزانه) واریز می‌شود.

وی افزود: در زمان انجام پرداخت‌ها منابع مورد نظر به حساب بانک یا بانک‌های عامل واریز می‌شود و در همان روز از طریق این بانک‌ها در اختیار ذی نفعان قرار می‌گیرد. به طور مثال در بحث خرید تضمینی گندم بانک کشاورزی به‌عنوان بانک عامل و در بحث پرداختی‌های بهزیستی و کمیته امداد، بانک رفاه به‌عنوان بانک عامل هستند. همچنین در بحث پرداخت یارانه نقدی کلیه بانک‌های کشور به‌عنوان بانک‌های عامل پرداخت کننده در نظر گرفته می‌شوند.

گفتنی است، با توجه به این توضیحات می‌توان نتیجه گرفت که حساب‌های درآمد و هزینه‌ای سازمان هدفمندسازی نیز مانند سایر دستگاه‌های دولتی در حساب واحد خزانه تجمیع شده و به این ترتیب سطح کنترل و نظارت خزانه بالاتر رفته است؛ به‌ویژه آنکه به‌نظر می‌رسد بحث پرداخت به ذی‌نفع نهایی نیز تا حد زیادی پیاده‌سازی شده به نحوی که اخیراً سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها به‌طور دقیق اعلام کرده است که ۸۱۷ هزار و ۶۵۷ نفر از کشاورزان در بحث خرید تضمینی گندم به دولت کالا فروخته‌اند.

به این ترتیب می‌توان گفت که احتمالاً در بحث دستگاه‌های دولتی یا شبه‌دولتی بجز موارد استثنا و خاص دیگر کمتر دستگاهی هست که از قواعد حساب واحد خزانه مستثنا باشد.